

نقش و عملکرد ناصرکبیر در نشر اندیشه شیعی در طبرستان

* محمد شورمیج
** ولی الله مرادیان
*** رمضان رضایی

چکیده

در عرصه سیاسی مهم‌ترین نتیجه مهاجرت سادات علوی به شمال ایران در قرن سوم هجری، تأسیس حکومت شیعی علوی در طبرستان بود. در اوایل قرن چهارم هجری با شکل‌گیری و بنیان گرفتن مکتب ناصریه، شهرهایی چون آمل و هوسم از مراکز اصلی ترویج فرهنگ شیعی در سراسر طبرستان و دیلم به‌شمار می‌رفتند. این نوشتار بر آن است با شیوه توصیفی و تحلیلی، تلاش ناصرکبیر در نشر اندیشه شیعی طبرستان را مورد بررسی قرار دهد. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت، محبوبیت علویان در بین عامه مردم طبرستان از یک سو و تلاش ناصرکبیر در نشر اسلام و اندیشه شیعی، سبب ساخت و راه‌اندازی مدارس، کتابخانه‌ها، محافل بحث و مناظره و تدریس علوم دینی شد. تمامی این موارد در اعتلای فرهنگ شیعی تأثیرگذار بوده است. اهمیت این تلاش‌ها در این است که با توجه به جو سیاسی و تسنن حاکم، این منطقه در احیای فرهنگ شیعی تلاش نموده است.

واژگان کلیدی

ناصر کبیر، طبرستان، فرهنگ شیعی، علویان.

m.shoormeij9@pnu.ac.ir

*. استادیاریار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور.

** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه پیام نور و عضو هیئت علمی

moradianmpnu@gmail.com

گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور.

*** استادیار گروه تاریخ و تمدن و انقلاب اسلامی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران.

rezayi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۶

طرح مسئله

منطقه طبرستان تا قرن سوم هجری با وجود فتح آن توسط اعراب مسلمان، تحت سلطه کامل حکام وابسته به خلفای عباسی قرار نداشته است. لذا به دلیل دوری از مرکز خلافت عباسی و خلأ قدرت سیاسی موجود در منطقه، به مکان مناسبی برای مخالفان خلیفه تبدیل گردید. به همین دلیل وقتی مردم طبرستان از ظلم و ستم عمال طاهری به ستوه آمده بودند، با رهبری سادات علوی علیه حکام وابسته به خلیفه مبارزه نمودند و در نتیجه موفق به تشکیل اولین دولت علوی شدند.^۱ لذا با تشکیل حکومت علوی در طبرستان و اقدامات سیاسی، فرهنگی و مذهبی آنها در منطقه، شرایط مناسبی برای نشر اندیشه شیعی در طبرستان فراهم گردید.^۲

بسیاری از سادات مهاجر علوی در طبرستان، زندگی خود را صرف نشر علوم دینی و دعوت مردم به اسلام نمودند، از بین آنها، افرادی به علت داشتن قدرت سیاسی و ارائه خدمات اجتماعی و علمی و فرهنگی نزد عوام و خواص شهرت بیشتری یافتند که ناصر کبیر از جمله آنها بود.

در این پژوهش سعی شده است، با کمک متون تاریخی و با روش توصیفی و تحلیلی به نقش ناصر کبیر در نشر فرهنگ شیعی پرداخته شود. منظور از فرهنگ شیعی علوی، همان اقدامات فرهنگی و مذهبی سادات علوی است و در این راستا می‌توان به مواردی چون دستوراتی در خصوص نماز و شعائر دینی، ساخت مدرسه، تألیف کتب مذهبی و شکل‌گیری مکتب فکری ناصر کبیر اشاره کرد. لذا مسئله اصلی پژوهش، بررسی نقش ناصر کبیر در ترویج اندیشه شیعی طبرستان است. در پی مسئله مذکور، می‌توان این فرض را طرح کرد که اقدامات ناصر کبیر به خصوص تألیفات و کلاس‌های درس و سیرت رفتاری و عملی‌اش در ترویج اندیشه شیعه علوی طبرستان نقش داشته است.

پیشینه تحقیق

در حوزه علویان طبرستان در قرون نخستین اسلامی به خصوص قرن سوم و چهارم هجری، مقالات و کتب متعددی به نگارش در آمده که تمامی آنها در خور توجه است. ابوالفتح حکیمیان، محقق تاریخ علویان که رساله دکترای خود را در همین زمینه نوشته است، مهم‌ترین بخش پایان نامه خود را به صورت مقاله‌ای در مجله مقالات و بررسی‌ها^۳ به چاپ رسانده است که در آن به بررسی وضعیت

۱. ر.ک. ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، قسم اول، ص ۲۲۸ - ۲۲۴؛ حقیقت، جنبش زیدیه در ایران، ص ۸۰ - ۷۵؛

رحمتی، زیدیه در ایران، ص ۷۰ - ۶۸.

۲. همان، ص ۷۳ - ۷۱ و ۸۵ - ۸۲.

۳. مجله مقالات و بررسی‌ها، دانشکده الهیات تهران، شماره ۶ - ۵، بهار و تابستان ۱۳۵۰، ص ۲۱۷ - ۱۹۵.

تاریخی و جغرافیایی طبرستان، ورود اسلام و سادات علوی به طبرستان، پیدایش فرقه زیدیه و زیدیه در طبرستان پرداخته است. وی در این مقاله ناصر کبیر را شخصی فاضل، عالم و زیدی مذهب یاد می‌کند، ولی از نقش وی در نشر تشیع در طبرستان بحثی به میان نمی‌آورد.

سید علی موسوی نژاد و سید اکبر موسوی تنیانی، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصر کبیر و خاندان وی»^۱ به تفصیل و عالمانه به نظرات افراد مشهور درباره مذهب ناصر کبیر و خاندانش پرداخته‌اند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که ناصر کبیر، زیدی مذهب بوده، هر چند با بزرگان شیعه و ائمه علیهم‌السلام ارتباط داشته است. البته نظرات محققین مذکور در ارتباط ناصر کبیر با شیعیان و تلاش‌های ایشان در فقه شیعه، نیز می‌تواند احتمال گرایش ایشان به تشیع امامی را تقویت کند که محققین به آن اعتقاد ندارند، ولی در پژوهش مذکور سعی شده این احتمال تقویت گردد.

همچنین سید علی موسوی نژاد در مقاله‌ای با عنوان «تبارشناسی ناصر کبیر»^۲ در مجموعه مقالات همایش ناصر کبیر به بررسی تبارشناسی ناصر کبیر پرداخته است که ارتباط چندانی با موضوع پژوهش مذکور ندارد.

سید اکبر موسوی تنیانی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «مناسبات امامیه و زیدیه، از آغاز غیبت صغری تا افول آل بویه»^۳ به مناسبات این دو نحله مذهبی می‌پردازد و از ناصر کبیر به عنوان امام زیدی یاد می‌کند. وی به همکاری زیدیه و امامیه در عرصه‌های گوناگون دوره آل بویه پرداخته و تعاملات و تقابلات علمی و فرهنگی و سیاسی آنها را در این دوره به خوبی تشریح می‌کند. لذا توجه اصلی نویسنده به دوره آل بویه است و چندان در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر نیست. مادلونگ محقق برجسته فرقه‌های اسلامی، نیز مقالات متعددی در زمینه زیدیه دارد. وی در مقاله «زیدیه»^۴ به بررسی فرقه زیدیه به صورت کلی پرداخته و اشاره مختصری به ناصر کبیر دارد. همچنین در مقاله‌ای دیگر با عنوان «فرمانروایان علوی طبرستان، دیلمان و گیلان»^۵ به بررسی حکومت علویان در مناطق مذکور پرداخته و به‌طور گذرا اشاره‌ای به ناصر کبیر دارد. همچنین، کتب متعددی در زمینه مذهب زیدیه در ایران نوشته شده است. محمد کاظم رحمتی در

۱. مجله تاریخ اسلام باقر العلوم، سال شانزدهم، شماره دوم، مسلسل ۶۲ تابستان ۱۳۹۴، ص ۸۶ - ۵۵.

۲. مجموعه مقالات همایش ناصر کبیر، قم، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹ - ۶۷.

۳. فصلنامه تحقیقات کلامی، سال اول، شمار سوم، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۱۰ - ۸۹.

۴. پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۸۶ - ۱۷۷.

۵. مجله معارف، شماره ۶۵ - ۶۴ فروردین و آبان ۱۳۸۵، ص ۱۶۵ - ۱۵۷.

کتاب *زیدیه در ایران*^۱ در فصل سوم آن از حکومت ناصرکبیر و مکتب فقهی ناصریه بحث می‌کند، ولی بیشتر مباحث کتاب در مورد زیدیه بعد از ناصرکبیر است و در زمینه موضوع پژوهش بحث خاصی ندارد. همین نویسنده در اثری دیگر با عنوان *چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان طبرستان*^۲ به بررسی روابط زیدیه با امامیه براساس کتاب یکی از علمای زیدی و تاریخ‌نگاری زیدیه و میراث فرهنگی زیدیه بین قرن ششم تا نهم هجری پرداخته است که ارتباطی با موضوع پژوهش ندارد. عبدالرفیع حقیقت نیز در کتاب *جنبش زیدیه در ایران*^۳ به بررسی نحوه قدرت‌گیری ناصرکبیر می‌پردازد که مطالب آن قدیمی است و چیز تازه‌ای در زمینه نقش فکری ناصرکبیر ارائه نداده است. لذا با توجه به پژوهش‌های مذکور و بررسی‌های انجام شده، در زمینه مسئله تحقیق مذکور؛ یعنی نقش ناصرکبیر در نشر اندیشه شیعی طبرستان، بحث‌چندانی در کتب و مقالات پیشین نشده است، لذا مقاله مذکور می‌تواند در نوع خود تازه و جدید باشد.

پیش‌درآمد نظری موضوع تحقیق و بیان مسئله

در خصوص تبیین مفهوم فرهنگ شیعی و نقشی که سادات بزرگ علوی زیدی طبرستان در آن ایفا کردند، از یک منظر؛ فرهنگ شیعی همان تأکید بر اصول اولیه و راستین اسلامی است که در دوران حاکمیت خلفای اموی و عباسی به انحراف رفت. مسئله دیگر، ویژگی‌های یک حاکم مسلمان و چگونگی اعمال حاکمیت از سوی عمال آنان است. از این منظر بحث‌های بسیاری نزد فرق تشیع در خصوص امامت و شرایط امام، به وجود آمد. نکته دیگر، مسئله عدالت و پرهیز از رفتارهای تبعیض‌آمیز بود که از ویژگی‌های فرهنگ شیعی است و توجه اقشار تحت ستم و ناراضی از حاکمان اموی و عباسی را به سوی سادات علوی جلب می‌کرد. لذا نوادگان امام علی علیه السلام که به نام علویان شناخته شدند، برای اعاده سیره حکومت جدشان به شکل‌های مختلف دست به قیام زدند. مجاهدت‌های سیاسی و حسن سیرتی که مردم از آنان مشاهده نمودند، قلوب مردم را نسبت به روش و منش این خاندان جلب کرد.^۴

علویان طبرستان از منظر سیاسی با تأکید بر شاخص‌های امام و نیز قدرت اجتهاد امام در مسائل شرعی، علاوه بر به چالش کشیدن مبانی مشروعیت قدرت خلافت عباسی، از لحاظ تئوریک،

۱. نشر پژوهشکده تاریخ/اسلام، چ ۱، ۱۳۹۲.

۲. نشر شب افروز، چ ۱، ۱۳۹۴.

۳. نشر فلسفه، چ ۲، ۱۳۶۳.

۴. ابن‌اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، قسم اول، ص ۲۲۸؛ *آملی، تاریخ رویان*، ص ۶۴.

زمینه‌ساز توجه به ویژگی‌های برتر امام در نزد ایرانیان شدند.^۱ در این میان نقش ناصر کبیر، پررنگ‌تر از بقیه سادات علوی بود. وی بیش از تلاش‌های سیاسی، به فکر توسعه علوم دینی و نشر اندیشه شیعی در طبرستان و دیلم بود، لذا بررسی تلاش‌های ناصر کبیر در نشر اندیشه شیعی در طبرستان و دیلم اهمیت اساسی دارد؛ زیرا زمینه‌های فکری برای گرایش نسل بعد به تشیع را فراهم کرد. هرچند در زمانش مردم تشیع زیدی داشتند و خود نیز رسماً فقیه زیدی بود، اندیشه‌هایش به امامی بسیار نزدیک بود و همین امر زمینه را برای گرایش نسل‌های آینده به تشیع امامی فراهم کرد.

علل همراهی مردم طبرستان با سادات علوی

مردم همواره از عناصر قابل توجه در پیشبرد اهداف مختلف جامعه می‌باشند. در زمان ورود اعراب مسلمان به ایران، از یک سو، اختلاف طبقاتی شدید اجتماعی حاکم بر جامعه و ظلم و ستمی که برخی از اسپهبدان به مردم روا می‌داشتند، از سوی دیگر، شعارهای آزادی‌طلبانه و بشارت‌گونه که مردم را به عدل و داد وعده می‌داد و نیز سادگی و بی‌پیراگی مسلمانان اولیه، مردم طبرستان را به سمت اسلام جلب نمود. مثلاً در زمان اسپهبد خورشید، عمر بن العلاء از سوی خلیفه منصور عباسی مأمور فتح طبرستان شد و دلایل ذکر شده به خوبی برای موفقیت او فراهم بود؛ به‌طوری که ابن‌اسفندیار می‌نویسد: «عمر بن العلاء به آمل بنشست و منادی عدل فرمود و دعوت اسلام کرد، به حکم آنکه مردم از اصفهبد استهزاء و استخفاف دیده بودند، فوج فوج و قبیله قبیله می‌آمدند و قبول اسلام کرده و املاک و اسباب خویش مسلم گردانیده ...»^۲.

اما خیلی زود مردم خلاف شعارهای فریبنده فاتحان اسلام را در اعمال آنها مشاهده کردند. در نتیجه باز در پی ملجایی برای رهایی بودند؛ چون سادات مهاجر علوی را مخالف رویه مأموران خلیفه یافتند، به صورت گروهی به آنها پیوستند.^۳ نکته اینکه نیروی جنگی جنبش علویان بیشتر از سابق به نیروی جنگی دیلمیان اتکا داشت،^۴ و دشمنی آشکار سادات علوی با خلفای عباسی وجه مشترکی برای مقبولیت سادات علوی در قلمرو طبرستان و به‌ویژه دیلمیان فراهم کرد. داعی کبیر به هر شهری می‌رسید، مردم شهرهای مسیر حرکتش با او بیعت کرده و کارگزاران طاهری را از شهرها اخراج می‌کردند و حاکمانی بر آن برمی‌گزیدند.^۵

۱. ر.ک: رحمتی، *زیدیه در ایران*، ص ۱۴۹ - ۱۴۳.

۲. ابن‌اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، قسم اول، ص ۱۷۶.

۳. همان، ص ۲۳۲ - ۲۲۸.

۴. مرعشی، *تاریخ طبرستان*، *رویان و مازندران*، ص ۱۲۹.

۵. همان، ص ۱۳۰.

سرانجام، مردم طبرستان و دیلم برای رویارویی با کارگزاران خلیفه عباسی و حکام طاهری با یکدیگر هم پیمان شدند تا یکی از بزرگان علوی را به رهبری انتخاب کنند. آنان نزد محمد بن ابراهیم از نوادگان علوی که در رویان ساکن و به زهد، تقوا و دانش مشهور بود، رفتند و از او جهت رهبری حرکت خود کمک خواستند و برای بیعت با او اعلام آمادگی کردند.^۱ لذا حضور مردم در حرکت‌های ظلم‌ستیزانه که با رهبری علویان طبرستان انجام می‌شد، به‌طور گسترده و تأثیرگذار بوده است.

نقش ناصرکبیر در ترویج تفکر شیعی در طبرستان

سادات بزرگ علوی، اکثراً در فقه و کلام متبحر بودند و با دعوت مردم به شریعت اسلام، در ترویج علوم دینی کمک نمودند. از همین روی، پس از آنکه پایه‌های قدرت سیاسی علویان در طبرستان محکم شد، یک نهضت بزرگ علمی و دینی در قلمرو علویان آغاز شد. برای نمونه، اقدامات دینی حسن بن زید معروف به داعی کبیر (حکومت: ۲۷۰ - ۲۵۰ هجری) در جهت نشر و توسعه علوم دینی مشهور است. هنگامی که مردم مازندران در سعید آباد (مرزن آباد فعلی) با حسن بن زید بیعت کردند، شرط بیعت بر اقامه کتاب الله، سنت نبوی و امر به معروف و نهی از منکر استوار بود.^۲

حسن بن زید پس از استقرار حکومت، مبلغینی را به نواحی گوناگون از جمله ساری، دماوند (دنیاوند) و فیروزکوه فرستاد. پس از آسودگی از مخالفان داخلی و خارجی خود، به صدور فرمان‌های مذهبی و تعیین روش دینی مردم و نیز رواج مذهب شیعه همت گماشت و در نامه‌ای به حکمرانان خود دستور داد، مردم را با فرهنگ اسلامی شیعی آشنا کند.^۳ در این نامه به مردم دستور داده شد که به کتاب الله، سنت رسول خدا و آنچه که به طور حتمی از امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزگاران، امام علی بن ابی‌طالب، در اصول و فروع دین رسیده است، عمل کنند و فضیلت و برتری آن حضرت بر تمامی امت را آشکار نمایند. کارگزاران دولتی می‌بایست مردم را از اعتقاد به جبر، تشبیه و دشمنی با اهل توحید، بازدارند، همچنین آنان را از تعرض به شیعیان و اذیت و آزارشان منع کنند و نگذارند درباره فضیلت دشمنان خدا و دشمنان امیرمؤمنان چیزی را روایت کنند. به مردم تأکید شد بسم الله الرحمن و الرحیم را در نماز بلند گفته، برای نماز صبح قنوت خوانده، در نماز میت پنج تکبیر گفته، مسح کشیدن از روی کفش را ترک نموده، در اذان و اقامه جمله «حی علی خیرالعمل» را اضافه کرده، جملات اقامه را دو تا دو تا خوانده و از سرپیچی دستورات حاکمان زیدی برحذر باشند. این دستور با اتمام حجتی نیز همراه بود،

۱. همان، ص ۱۲۹؛ املی، تاریخ رویان، ص ۶۴.

۲. مرعشی، تاریخ طبرستان، رویان و مازندران، ص ۱۳۰.

۳. امین، اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۸۳؛ ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، قسم اول، ص ۲۴۰.

مبنی بر اینکه هر کس با این دستورات و دیدگاه مخالفت می‌ورزید، خوش حلال بود.^۱ اهتمام در ترویج فرهنگ علوی و پیروی از دستورات حضرت علی علیه السلام در دستور داعی کبیر به خوبی نمایان است. همچنین، احترام و حفظ شیعیان بخش دیگری از این دستور است که در پیشبرد خواسته‌های ایدئولوژیکی فرهنگ شیعی نقش مؤثری داشته است. این دستورات، بعدها توسط حسن بن علی اطروش یا ناصر کبیر با تصنیف کتاب‌های متعدد، نهادینه و ماندگار شد. در دوران بعد، نواده دختری ناصر کبیر، سید (شریف) مرتضی در کتاب *الناصریات* با تجلیل از جد خودش به‌عنوان یک عالم اهل بیت، فتوای او را جمع‌آوری کرده است.

لذا زمانی که حسن بن علی اطروش^۲ (حک: ۳۰۴ - ۳۰۱ هجری) بر طبرستان و دیلمان مسلط گردید، از این شرایط فراهم شده استفاده کرد، مردم را به دین مبین اسلام دعوت کرد^۳ و بسیاری از اهالی گیلان و دیلمان با او بیعت کردند و تحت تأثیر تبلیغ ایشان مسلمان شدند.^۴ وی چهارده سال در سرزمین دیلم به تبلیغ اسلام پرداخت و با اقدامات فرهنگی و دینی از قبیل ساختن مساجد و حتی تغییر نام نومسلمانان به اسامی اسلامی گام‌های اساسی در گسترش اسلام منطقه دیلم برداشت.^۵ وی پس از نهادینه‌سازی اسلام در میان گیل و دیلم، به کمک آنها به سوی طبرستان لشکر کشید و حاکمان سامانی را از آنجا بیرون کرد و آمل را مرکز حکومت خود ساخت و بیش از سه سال (۳۰۴ - ۳۰۱ ق) به‌طور رسمی بر طبرستان و گیلان حکومت کرد. او برای نظام‌سازی یک جامعه مطلوب و پیشرفته، اساسنامه‌ای با عنوان *الاحتساب* تألیف کرد.^۶

ناصر کبیر در کتاب *الاحتساب*، به اهمیت مسائل و قوانینی که محتسب جهت اداره جامعه اسلامی به آن نیاز دارد، تصریح دارد. وی مسائل شرعی و فقهی که یک تجار به آن نیاز دارد را به تفکیک بیان می‌کند و قوانین فقهی تجار و بازرگانان را با اجماع علمای آل‌رسول علیهم السلام ارجاع می‌دهد. قالب روایاتی

۱. همان.

۲. حسن بن علی بن حسن بن زید بن عمر اشرف بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام مشهور به ناصر کبیر است. (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۶۰) وی در مدینه متولد شد. (موسوی نژاد، «تبارشناسی ناصر کبیر»، *مجموعه مقالات همایش ناصر کبیر*، ص ۱۱۹ - ۶۷)

۳. ابن اثیر جزری، *الکامل فی التاریخ*، ج ۸، ص ۸۱.

۴. حکیمیان، «علویان طبرستان، تحقیقی در احوال و آثار و عقاید فرقه زیدیه در ایران»، *مجله مقالات و بررسی‌ها*، ص ۲۰۶.

۵. ابوالعباس حسنی، *المصایح*، ص ۶۰۴.

۶. موسوی نژاد و موسوی تنیانی، «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصر کبیر و خاندان او»، *مجله تاریخ اسلامی باقرالعلوم*، ص ۵۸.

که اطروش نقل می‌کند، از علی علیه السلام می‌باشد. در این کتاب، وی به محتسب تکلیف می‌کند که شعار اهل بیت را ملاک قرار بدهد و چند مورد را هم مثال می‌زند، علی‌الخصوص در ارتباط با اذان و اقامه که لا اله الا الله را در آخر اذان دو مرتبه و در آخر اقامه یک مرتبه بیان کنند و آمین را در پایان حمد ترک کنند، حی علی خیر عمل در اذان و اقامه بیاورند و بسم الله را با صدای بلند بگویند.^۱

وی در بخش دیگری از این کتاب می‌نویسد، بر محتسب است که برخی از محرمات را ممنوع کند مثلاً به نجارها و خراطها دستور می‌دهد از تراشیدن آلات قمار مثل نرد و شطرنج خودداری کنند و فتوای خود را به روایت علی علیه السلام مستند می‌کند. از این دست مطالب که ناظر بر مسائل جامعه اسلامی است و با نگاه شیعی و اهل بیت پیامبر علیه السلام منطبق می‌باشد، می‌توان به وفور در این کتاب یافت که توسط ایشان ترویج می‌شد.^۲ از نکات مهم این کتاب آنکه نویسنده در پس فتوهای خود از روایت امام صادق علیه السلام با عنوان روی عن جعفر بن محمد عن آبائه عن علی علیه السلام نقل می‌کند. در بخشی از کتاب خود از سیره حضرت فاطمه علیه السلام به عنوان مستند ذکر می‌کند و این نقل را از امام جعفر صادق علیه السلام بیان می‌کند.^۳

در کتاب البساط که عقیدتی و کلامی است و ناصر کبیر برای شاگردان مکتب خود به رشته تحریر در آورد، درباره توحید، المعرفة بالله تعالی والعدل علی عبادته نکاتی را طرح می‌کند.^۴

ناصر کبیر، علاوه بر جایگاه سیاسی و اجتماعی و فقهی، از جایگاه علمی بالایی در میان علمای اسلامی برخوردار بود. بسیاری از نویسندگان از فضل و دانایی او سخن گفته و او را ستوده‌اند. وی در علوم مختلفی چون فقه، حدیث، ادبیات، شعر، کلام و انساب صاحب نظر بوده و کتاب‌های قابل توجهی در این زمینه دارد.^۵

در نتیجه، اقدامات ناصر کبیر در نشر و توسعه علوم دینی به خصوص شیعه، محرز است. تألیف کتب متعدد فقهی و عقیدتی، ساخت مدارس علمیه و ارج نهادن به علمای دینی، از مهم‌ترین اقدامات او در این مسیر است؛ به طوری که مشتاقان از اقصی نقاط برای بهره بردن از دانش و امکاناتی که وی برای ترویج علوم دینی فراهم آورده بود، به طبرستان می‌رفتند.^۶ به اعتقاد برخی از اندیشمندان و تاریخ‌پژوهان،

۱. اطروش، الاحتساب، ص ۴۶ - ۴۰.

۲. همان، ص ۴۷.

۳. همان، ص ۵۰.

۴. اطروش، البساط، ص ۴۵.

۵. موسوی‌نژاد و موسوی‌تنبانی، پیشین، ص ۵۸.

۶. ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، قسم اول، ص ۲۷۵؛ مرعشی، تاریخ طبرستان، رویان و مازندران، ص ۱۴۸؛ آملی،

تاریخ رویان، (با پژوهش افشین پرتو)، ص ۱۱۰.

مدرسه‌ای که ناصر کبیر در امل بنا نهاد، نخستین مدرسه علمیه (یا اقلاً جزو نخستین مدارس) در جهان اسلام است.^۱ به گفته ابن اسفندیار (تألیف ۶۱۳ق)، علوم دینی و معارفی که ناصر کبیر در طبرستان، گیلان و دیلمان گسترش داد، هنوز (در قرن ششم و هفتم هجری) پابرجاست.^۲

بعد از ناصر کبیر، شاگردانش همت بسیاری در نشر فرهنگ اسلامی داشتند. چنان‌که به گفته ابن اسفندیار، کوشش شاگردان ناصر کبیر در ترویج شریعت تا قرن‌ها بعد از او همچنان ظاهر و بارز بود. او از افرادی نام می‌برد که در محضر ناصر کبیر شاگردی نمودند، از جمله ابوالعلاء السّروی و ابن مهدی مامطیری.^۳

ابوالحسن علی بن مهدی مامطیری از دانشمندان برجسته قرن چهارم هجری بود که کمتر در محافل علمی مطرح شده است.^۴ کتاب *نزهت الابصار و محاسن الآثار* اثر ارزشمند اوست. این کتاب دربرگیرنده بسیاری از سخنان حضرت علی علیه السلام است و به احتمال زیاد قبل از *نهج البلاغه* نوشته شده است. ابن شهر آشوب علاوه بر *نزهت الابصار*، کتاب دیگری به نام *مجالس* را به او نسبت می‌دهد. ابن مهدی مامطیری برای تحصیل علم به شهرهای امل، بصره، بغداد و مصر مسافرت کرد. او پس از اندوختن علم و دانش به طبرستان بازگشت و تا آخر عمر در مامطیر ماند.^۵ ابن اسفندیار او را از ائمه کبار طبرستان دانست که تربیتش را در مامطیر زیارت کرده بود،^۶ لذا می‌توان نتیجه گرفت که ناصر کبیر و شاگردانشان با تربیت افراد فراوان و نیز تألیف و تصنیف کتب متعدد مذهبی، تلاش گسترده‌ای برای گسترش فرهنگ اسلامی و شیعی به کار بردند.

مکتب فکری منبعث از تفکرات ناصر کبیر در طبرستان (قرن چهارم هجری)

دو مکتب مشهور زیدی در ایران، یکی قاسمیه و دیگری ناصریه نام داشت. قاسم بن ابراهیم الرسی الحسنی العلوی (متوفای ۲۴۶ هجری)، از سادات مشهور و از ائمه زیدی بود که در مدینه می‌زیست، ولی با برخی از مردم طبرستان (از جمله با جعفر بن محمد نیروسی) در ارتباط بود.^۷ وی اولین مکتب

۱. زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ج ۲، ص ۶۲۵.

۲. ابن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، قسم اول، ص ۹۷.

۳. همان.

۴. ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۷۱.

۵. همو، *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، ص ۳۷۹.

۶. ابن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، قسم اول، ص ۹۷.

۷. مادلونگ، *فرقه‌های اسلامی*، ص ۱۴۲.

فکری را در نواحی طبرستان منتشر کرد و شاگردان و داعیان او در طبرستان حضور فعال داشتند^۱ که از مکتب او با نام «قاسمیه» یاد می‌شود.^۲

اما مکتب بزرگی که توسط ناصر کبیر به وجود آمد و تفاوت زیادی با مکتب قاسمیه داشت، «ناصریه» نام دارد. این مکتب توسط ناصر کبیر علوی به وجود آمد و مذهب غالب زیدیان ایرانی شد.^۳ درباره مذهب ناصر کبیر نظرات متعددی وجود دارد.^۴ ابن ندیم (م. ۳۸۵ ق)، با ذکر کتاب‌های که از او دیده مانند الطهاره، الاذان والاقامه، الصلاة، الزکاة، الصیام، الایمان و النذور، الرهن و بیع و غیره، او را پیرو مذهب زیدیه می‌داند.^۵ ابوطالب هارونی (م. ۴۲۴ ق) دانشمند زیدی نیز او را در زمره امامان زیدی می‌شمارد.^۶ اما نجاشی (م. ۴۵۰ ق) از رجال شناسان امامیه، ناصر کبیر را معتقد به امامت معرفی کرده و کتابی به نام *انساب الائمة وموالیدهم الی صاحب الامر*^۷ را به وی نسبت می‌دهد.^۷ در مجموع باید گفت که وی با توجه به فضای فکری غالب آن زمان، دارای فقه رسمی زیدیه بود، ولی از لحاظ گرایش‌های فکری به فقه امامیه خیلی نزدیک گردید و همین سبب اختلاف نظرات نویسندگان شد.

از آثار منتشر شده ناصر کبیر، *البساط* است که درباره مسائل کلامی، ایمان، کفر، نفاق، هدایت، ظالمت، جبر، قضا و قدر بحث نموده است. ناصر کبیر در مسائل فقهی آرا و نظرات خاص خود را داشت و دیدگاهش با دیدگاه قاسم بن ابراهیم و الهادی الی الحق متفاوت بود.^۸

ناصر کبیر در فقه و شریعت به عقیده شیعه امامی نزدیک شد و در باب ارث، نظر فقه شیعه امامی را پذیرفت و دیدگاه تبعیض‌آمیز اهل سنت را درباره ارث نپذیرفت.^۹ وی در مسئله ارث و مفهوم عصبه (خویشاوندی پدری)، برخلاف زیدیه، نظر به توسع آن به خویشاوندی دختریه هم داشته است. همچنین در مسئله طلاق بدع (درستی انجام سه طلاق یک مجلس) و مسائل دیگر نظرات نزدیک

۱. محلی، *الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیة*، ص ۷.

۲. ابن عنبه، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، ص ۳۷۴.

۳. همان؛ زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۶۲۵؛ رحمتی، *چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان طبرستان*، ص ۵۴.

۴. ر.ک: موسوی نژاد و موسوی تنیانی، همان، ص ۶۹ - ۵۸.

۵. ابن ندیم، *المهرست*، ص ۳۶۰.

۶. هارونی، *الافاده*، ص ۶۱ - ۵۰.

۷. نجاشی، *رجال*، ص ۵۸ - ۵۷.

۸. رحمتی، *زیدیه در ایران*، ص ۸۴.

۹. مادلونگ، *تشیع امامی و زیدی در ایران*، ص ۱۸۳؛ همو، «زیدیه»، *پژوهش‌نامه حکمت و فلسفه اسلامی*، ص ۱۸۱.

به فقه امامیه داشت و طلاق بدع را نادرست می‌دانست.^۱ از سوی دیگر، کتاب *البساط* وی نشان‌دهنده تعلق وی به سنت زیدیه کوفه و ارتباط وی با عالم برجسته زیدی به نام محمد بن منصور مرادی است که احادیث بسیاری از او نقل می‌کند.^۲

مکتب ناصریه همانند هر مکتب فکری دیگر به تأسیس مکان‌هایی چون مدارس برای ترویج و نشر تعالیم خود نیازمند بود. لذا علویان از ساخت مدارس و فراهم آوردن امکانات تحصیلی، برای جویندگان علم نیز غافل نبودند. هرچند منابع دست اول تاریخی همچون *تاریخ طبرستان* ابن اسفندیار از ذکر جزئیات چگونگی شکل‌گیری مدارس دینی، مکان دقیق و عملکرد آن مدارس در ترویج مسائل دینی طبرستان سکوت کرده‌اند و منابع متأخر نیز در این باب به شرح جزئیات نپرداخته‌اند، با در نظر گرفتن نتایجی که در دهه‌های بعد به خصوص در تربیت شاگردان حاصل شد، می‌توان تا حدودی به اهمیت این مدارس پی برد.

مدرسه‌ای که ناصرکبیر در اوائل قرن چهارم هجری در آمل بنا نهاد، در شمار نخستین مدرسه علمیه در جهان اسلام بود.^۳ همچنین می‌توان به مدرسه علمیه گرگان قدیم و فعالیت آن در زمان اطروش اشاره کرد^۴ که بیانگر فعالیت علمی ناصرکبیر در راستای توسعه مدارس است.

نقش سیره علوی ناصرکبیر در نشر فرهنگ شیعی

ناصرکبیر از جمله ساداتی است که دارای سیره غنی علوی بود. منابع تاریخی، حکومت ناصرکبیر را همراه با عدل، انصاف و سعه صدر معرفی کرده‌اند.^۵ این مسئله از سوی سادات علوی، چنان تجلی نمود که مردم را مایل و علاقه مند به اسلام می‌نمود. ابن اسفندیار در *تاریخ طبرستان* می‌گوید: «بهر وقت ساداتی را که بنواحی ایشان (مردم طبرستان) نشسته بودند می‌دویدند و زهد و علم و ورع ایشان را اعتقاد کردند و گفتند آنچه سیرت مسلمانی است، با سادات است.»^۶ منابع متعدد تاریخی، ناصرکبیر را دارای اخلاقی خوش و روحیاتی متعالی و صاحب عدل و انصاف معرفی کرده‌اند.^۷

۱. رحمتی، *زیدیه در ایران*، ص ۸۴.

۲. همان.

۳. زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۶۲۵.

۴. همان، ص ۵۶۰.

۵. محلی، *الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیه*، ص ۲۱۴؛ ابن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، قسم اول، ص ۲۶۹.

۶. همان، ص ۲۲۸.

۷. محلی، *الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیه*، ص ۵۶.

در سیره ناصر کبیر اولویت بر عفو و بخشش مجرمین بود. یک نمونه تاریخی آن، اختلاف میان ناصر کبیر و حسن بن قاسم (داعی صغیر) و بخشش ناصر کبیر در این زمینه بود. ناصر کبیر بعد از اینکه از زندان طرفداران حسن بن قاسم رهایی یافت و به حسن بن قاسم دست یافت، نه تنها از او انتقام نگرفت؛ بلکه او را عفو نمود و نوه خود را به ازدواجش درآورد و او را به عنوان حاکم گرگان منصوب کرد.^۱

ناصر کبیر می‌کوشید، تواضع را در عالی‌ترین مناصب سیاسی و اجتماعی حفظ کند و این در نظر مردم بسیار مهم و قابل توجه بود. وی بیشتر عمر خود را با کمترین امکانات، به ترویج اسلام گذراند و همین امر سبب شد که مردم به او علاقه بسیاری نشان دهند. لذا زهد و ورع و آخرت‌گرایی ناصر کبیر چنان بود که مردم با دیدن وی و مشاهده حسن سلوکش، به او گرایش پیدا کردند.^۲

ناصر کبیر در سیره و روش زندگی خود با شیعیان امامی به ویژه ائمه علیهم‌السلام ارتباط داشته است. او و پدرش به دلیل اینکه مدتی در شهر سامرا سکونت داشتند، با ائمه آنجا ارتباط داشتند. از همین رو او را از اصحاب امام هادی علیه‌السلام^۳ و امام حسن عسکری علیه‌السلام^۴ بر شمرده‌اند. ناصر کبیر همچنین از روایات ائمه استفاده نموده و حتی در برخی اسناد روایی به محدثان امامی استناد می‌کرد.^۵ در مجلس علمی وی احادیثی از روایان امامیه خوانده می‌شد و به نوعی اهتمام خاصی در احیای میراث اهل بیت علیهم‌السلام داشت و حتی به نقد آرای فقهی هادی الی‌الحق، امام زیدیه یمن که متأثر از آرای ابوحنیفه بود پرداخت.^۶ به همین جهت روایات ناصر کبیر در متون مذهبی امامیه نیز کم‌وبیش دیده می‌شد.^۷ در نتیجه باید گفت سیره رفتاری و اخلاقی وی با دیگر ائمه زیدیه فرق داشت و به سیره امامی نزدیک‌تر بود و همین امر سبب رشد فرهنگ شیعی در زمانش شد.

نتیجه

مهاجرت سادات علوی و در پی آن تأسیس حکومت علوی در طبرستان، فرصتی به دست علویان داد که هرچه بیشتر در راه نشر و گسترش علوم دینی قدم بردارند. در این میان حمایت مردم طبرستان از سادات علوی، نقش اساسی در توفیق آنان داشت. شکل‌گیری مکتب ناصریه و قاسمیه در خلال

۱. مرعشی، تاریخ طبرستان، رویان و مازندران، ص ۱۴۸ - ۱۴۷؛ ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، قسم اول، ص ۲۷۴.

۲. همان، ص ۲۲۸؛ امین، أعيان الشیعة، ص ۸۶؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۹، ص ۲۷۳.

۳. طوسی، رجال، ص ۳۸۵.

۴. ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، قسم اول، ص ۹۷.

۵. ناصر کبیر اطروش، البساط، ص ۷۵.

۶. موسوی‌نژاد و موسوی‌تنیانی، همان، ص ۶۹.

۷. موسوی‌تنیانی، مناسبات امامیه و زیدیه، از آغاز غیبت صغری تا افول آل‌بویه، فصلنامه تحقیقات کلامی، ص ۹۶.

حکمرانی علویان در طبرستان، نشان از تلاش سادات علوی در نشر و توسعه این مذهب داشت. از میان سادات بزرگ علوی زیدی، نقش ناصر کبیر در اسلام آوردن مردم دیلم و طبرستان و تربیت شاگردان و مبلغین و تألیف کتب دینی بسیار چشمگیر است. تأسیس مدرسه علمیه در آمل و احیای مدرسه علمیه قدیم گرگان از جمله فعالیت‌هایش در راستای مدرسه‌سازی بوده است. ناصر کبیر، با سیرت علوی گونه خود و همراه با عدل و انصاف کوشید، با مردم برخورد مناسب داشته باشد و حتی در زمان حکمرانی‌اش از چارچوب این رفتار خارج نشد. همین امر سبب جلب و جذب مردم طبرستان به فرهنگ شیعی علوی شد.

نتیجه اینکه، برقراری حکومت شیعی در قلمرو طبرستان، ساخت مدارس، کتابخانه‌ها، برقراری محافل بحث و مناظره و نقل روایات از ائمه و راویان امامی مذهب، تدریس علوم دینی توسط ناصر کبیر و سیره رفتاری و عملی وی در نشر و رشد فرهنگ شیعی در طبرستان تأثیرگذار بوده است.

منابع و مأخذ

۱. آملی، اولیا الله، *تاریخ رویان*، با پژوهش و راستینه گردانی افشین پرتو، تهران، میرماه، ۱۳۹۳.
۲. آملی، محمد بن حسن، *تاریخ رویان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۸۴.
۳. ابن اثیر جزری، عزالدین ابو الحسن علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، ج ۸، بیروت، دار الصادر، ۱۹۶۵.
۴. ابن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، به تصحیح عباس اقبال، تهران، خاور، ۱۳۶۶.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *معالم العلماء*، نجف، مطبعه حیدریه، ۱۳۸۰ ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب* علیه السلام، به کوشش گروهی از علمای نجف، مطبعه حیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۷. ابن عنبه، احمد بن علی، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب* علیه السلام، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۳۸۳.
۸. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، ابن شیخ علی هائری مازندرانی، انضمام و تعلیقات و تحقیقات مهین جهان بگلو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۶.
۹. ابوالعباس حسنی، احمد بن ابراهیم، *المصابیح*، تحقیق مجدالدین المویدی، عمان، مؤسسه زید بن علی، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. اطروش، الامام الناصر بالحق الحسن بن علی، *الاحتساب*، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، الجمهوریه الیمنه - صعده، مکتب التراث الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م.
۱۱. اطروش، الامام الناصر بالحق الحسن بن علی، *البساط*، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، الجمهوریه الیمنه - صعده، مکتب التراث الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۷ م.

۱۲. امین، سید محسن، *أعيان الشيعة*، ج ۵، بیروت، دار المعارف للمطبوعات، ۱۹۸۶.
۱۳. حقیقت، عبدالرفیع، *جنبش زیدیه در ایران*، تهران، انتشارات فلسفه، ۱۳۶۳.
۱۴. حکیمیان، ابوالفتح، «علویان طبرستان تحقیقی در احوال و آثار و عقاید فرقه زیدیه در ایران»، *مجله مقالات و بررسی‌ها*، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ش ۶-۵، بهار و تابستان ۱۳۵۰، ص ۲۱۷-۱۹۵.
۱۵. رحمتی، محمد کاظم، *چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان طبرستان*، تهران، شب افروز، ۱۳۹۴.
۱۶. رحمتی، محمد کاظم، *زیدیه در ایران*، تهران، انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲.
۱۷. زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلام*، ج ۲، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶.
۱۸. شریف مرتضی، علی بن حسین، *المسائل الناصریات*، تهران، تحقیق مرکز پژوهش و تحقیقات علمی، ۱۳۷۶.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۹، بیروت، دار التراث، ۱۹۶۷.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، *رجال*، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. مادلونگ، ویلفرد، «زیدیه»، ترجمه سید محمد منافیان، *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۸۶-۱۷۷.
۲۲. مادلونگ، ویلفرد، «فرمانروایان علوی طبرستان، دیلمان و گیلان»، ترجمه محسن جعفری مذهب، *مجله معارف*، ش ۶۵-۶۴، فروردین و آبان ۱۳۸۵، ص ۱۶۵-۱۵۷.
۲۳. مادلونگ، ویلفرد، *فرقه‌های اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱.
۲۴. محلی، حمید بن احمد، *الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیه*، بیروت، دار النشر فرانتس شتاینر، ۱۹۸۷.
۲۵. مرعشی، سید ظهیرالدین، *تاریخ طبرستان، رویان و مازندران*، تهران، شرق، ۱۳۶۸.
۲۶. موسوی تینانی، سید اکبر، «مناسبات امامیه و زیدیه، از آغاز غیبت صغری تا افول آل بویه»، *فصلنامه تحقیقات کلامی*، سال اول، ش ۳، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۱۰-۸۹.
۲۷. موسوی نژاد، سید علی و سید اکبر موسوی تینانی، «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصرکبیر و خاندان او»، *مجله تاریخ اسلام باقرالعلوم*، ش ۲، شماره مسلسل ۶۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۸۶-۵۵.
۲۸. موسوی نژاد، سید علی، «تبارشناسی ناصرکبیر»، *مجموعه مقالات همایش ناصرکبیر*، قم، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹-۶۷.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی، *رجال*، تحقیق سید موسی شبیری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۳۰. هارونی، یحیی بن حسین، *الافادة فی تاریخ الائمة السادة*، تحقیق محمد کاظم رحمتی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۷.